

## بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با سبک‌های مقابله مذهبی\*

سیده زهرا قیامی

کارشناس پژوهشی مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی

### چکیده

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۳/۶/۳۰)

در چند سال اخیر، پژوهشگران کاربرد نظریه دلبستگی را در مطالعه جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی بزرگسالی، از جمله مذهب و پدیده‌های مربوط به آن آغاز کرده‌اند. در پژوهشی که به منظور بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با مقابله مذهبی تدارک دیده شد، تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران ( $n=112$ ) پرسشنامه دلبستگی بزرگسال و مقیاس مقابله مذهبی را تکمیل کردند. براساس نتایج به دست آمده از میان سبک‌های دلبستگی (ایمن - اجتنابی و دوسوگرا) تنها سبک دلبستگی دو سوگرا توانایی پیش بینی سبک مقابله مذهبی مثبت را داشت و رابطه همبستگی منفی میان دو متغیر معنی دار بود.

کلید واژه‌ها: دلبستگی. مقابله مذهبی. دانشجویان. دانشگاه تهران

---

\*. این مقاله گزیده‌ای است از پایان نامه کارشناسی ارشد مؤلف که به راهنمایی و مشاوره دکتر محمدعلی بشارت و دکتر هادی بهرامی احسان در سال ۱۳۸۱ به انجام رسیده است.

پایه‌های نظریهٔ دلبستگی به دنبال مطالعات بالینی در مورد نوجوانان بزهکار (بخصوص دوران کودکی و رابطهٔ آنان با مادر) شکل گرفت، منظور از دلبستگی رابطه‌ای نخستین میان کودک و مادر است که پس از شکل‌گیری عامل محافظت فرد از نابودی خواهد بود. مشخصهٔ اصلی این رابطه جوار جویی است که در کودکی تحت تأثیر جدایی از نگارهٔ دلبستگی و بعدها در اثر تهدید، بیماری و یا خستگی فعال می‌شود. رابطهٔ توأم با دلبستگی نهایتاً به پدیدهٔ «پایگاه امن» منتهی شده و احساس ایمنی و رفتار اکتشافی رهاورد آن خواهد بود (همز، نقل در بشارت، ۱۳۸۰).

اگر چه این نظریه‌پردازی‌ها عمدتاً بر ریشه‌های تکاملی سیستم دلبستگی و بروز آن در روابط مادر - کودک متمرکز بود، لیکن از ابتدا این عقیده را با خود به همراه داشت که فرایندها و تغییرات دلبستگی برای تحول اجتماعی و کنشوری روان‌شناختی در سراسر عمر کاربردهای گسترده‌ای دارد (کرک پاتریک، ۱۹۹۹).

نخستین کاربردهای نظریهٔ دلبستگی در زندگی بزرگسالی با مطالعه در بارهٔ سوگ و تنهایی توسط پارکز (۱۹۷۲) و ویس (۱۹۷۶) آغاز شد. بعدها هازن و شیور (۱۹۸۷) نقش دلبستگی در روابط عاطفی بزرگسالی را مورد بررسی قرار دادند. مین و همکاران (۱۹۸۵) به رابطهٔ رفتار والدین و دلبستگی اولیه آنان پرداخته و انتقال دلبستگی در میان نسل‌ها را به مطالعه گذاشتند. یکی از جدیدترین نظریه‌پردازی‌ها با استفاده از نظریهٔ دلبستگی در بارهٔ باور و رفتار مذهبی آن است که این پدیده‌ها نیز نشان‌دهنده تظاهرات واقعی فرایندهای دلبستگی هستند. به عبارت دیگر، باور مذهبی<sup>۱</sup> می‌تواند دریچه‌ای منحصر به فرد به فرایندهای دلبستگی در بزرگسالی بگشاید.

روشن‌ترین نکته در کاربرد دلبستگی برای مطالعهٔ مذهب آن است که ایمان به خدای شخصی و داشتن رابطه‌ای دوسویه با او محور ادیان توحیدی است.

گالوپ و جونز (۱۹۸۹) طی مطالعه‌ای که با یک نمونهٔ بزرگ ملی انجام دادند از گروه نمونه پرسیده بودند: «کدامیک از چهار گزینه به برداشت شما از ایمان نزدیک‌تر است؟»

گزینه‌ها عبارت بودند از «۱) ایمان یعنی مجموعه‌ای از باورها، ۲) ایمان یعنی عضویت در کلیسایا کنیسه، ۳) ایمان یعنی یافتن معنی در زندگی، و ۴) ایمان یعنی ارتباط با خداوند». نتایج نشان داد که ۵۱ درصد از افراد گزینه «۴» یعنی «ارتباط با خداوند» را انتخاب کرده‌اند. استارک (۱۹۶۵، ص ۹۹) تجربه مذهبی را به عنوان شکلی از یک تعامل دوسویه توصیف می‌کند که در آن خدا و فرد دو طرف یک مواجهه اجتماعی هستند. این عقیده که خداوند از نظر روان شناختی به صورت نگاره‌ای از والدین<sup>۱</sup> تجربه می‌شود موضوع جدیدی نیست. شاید معروف‌ترین آن، برداشت فروید (۱۹۳۷ / ۱۹۶۱) از خداوند به عنوان نگاره پدر باشد. یانگ (۱۹۲۶) نشان داده است که محتوای بارز سرودهای مذهبی پروتستانی رجوعی کودکانه به یک حامی قوی و مهربان است که از انسان در برابر تمام رنج‌ها محافظت می‌کند. کافمن، خداشناسی که با نظریه دلبستگی آشنایی دارد (۱۹۸۱، ص ۶۷)، چنین نوشته است «نظر ما نسبت به خداوند مطلقاً نظری در باره نگاره دلبستگی است. نیازی نیست در مورد اینکه این تصویر مادرانه یا پدرانه است بحث کنیم. نکته مهم آن است که خداوند به صورت والدی حمایتگر و مراقبت کننده که همیشه حاضر و در هنگام نیاز در دسترس کودکان است، جلوه گر می‌شود». مطالعه ادبیات مذهبی نشان می‌دهد که در جای جای کتب آسمانی خداوند به عنوان «نگهدار من» یا «ناظر بر من» توصیف شده است. بهترین مثال در انجیل بخش بیست و سوم است، آنجا که می‌گوید: «وقتی از گذرگاه مرگ عبور کنم هیچ ترسی از شیطان نخواهم داشت، زیرا توبامنی. چوب و ریسمان تو به من آرامش خواهد داد» بدیهی است نگاره دلبستگی که به صورتی همزمان حاضر<sup>۲</sup>، دانا<sup>۳</sup> و توانا<sup>۴</sup> است؛ می‌تواند امن‌ترین پایگاه‌ها را فراهم کند (پاتریک، ۱۹۹۹). این دقیقاً چیزی است که باعث شد کافمن (۱۹۸۱) بگوید: «خداوند نگاره مطلق دلبستگی است». جانسون روان شناس مذهب (۱۹۴۵، ص ۱۹۱) نوشته است: «کیفیت هیجانی ایمان در امنیت و اعتمادی اساسی

1. Parental figure

2. Omnipresent

3. Omniscient

4. Omnipotent

نمایان است که به فرد اطمینان می‌بخشد، به این صورت ایمان متضاد ترس، اضطراب و تردید است. بدون امنیت هیجانی آرامشی وجود ندارد، تنش، ناامیدی و بی‌ثباتی برقرار می‌شود. اطمینان زیر ساز هیجانی محکمی است که به شخص در صورت مواجهه با خطر و سردرگمی امکان آرامش و ثبات می‌دهد. چنین توصیفی از ایمان شباهت زیادی به توصیف‌های بالبی (۱۹۶۹ / ۱۹۸۲، ۱۹۷۳) از پایگاه امن و اثرات روان‌شناختی آن دارد.

پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهند که مذهب‌گرایی درونی با احساس کفایت و کنترل همبستگی مثبتی دارد (ونتیس، ۱۹۹۵) و با رویکردی منعطف و فعال در حل مسئله همراه است (پارگامنت، استیل، و تایلر، ۱۹۷۹). به علاوه ایمان مذهبی احساسی از مثبت‌اندیشی و امید به آینده تولید می‌کند (میرز، ۱۹۹۲). این یافته‌ها حاکی از آن است که حداقل برخی از اشکال باورهای مذهبی نوعی اعتماد و رویکردی توأم با اطمینان به خود نسبت به زندگی را پرورش می‌دهند. یعنی همان چیزی که «پایگاه امن» فراهم می‌آورد.

در سال‌های اخیر چگونگی واکنش انسان در برابر مسائل و مشکلات زندگی مورد مطالعه وسیع قرار گرفته و گسترش مباحث مربوط به استرس، بیماری و سلامت، مطرح شدن مفاهیمی چون مقابله<sup>۱</sup> و سبک‌های مقابله‌ای<sup>۲</sup> را به دنبال داشته است. در متون پژوهشی مفهوم مقابله به عنوان تلاش فرد در برابر فشارهای زندگی یا حوادث ناخوشایند در نظر گرفته شده و سبک مقابله‌ای به معنی شیوه‌ای است که او برای پاسخگویی به رویدادهای منفی و فشار آور در پیش می‌گیرد. مطالعه تفاوت‌های فردی در این زمینه ابعاد گوناگون مؤثر بر رفتارهای انطباقی را مطرح ساخته تا جایی که پدیده‌های معنوی از جمله مذهب نیز به عنوان منبعی برای مقابله و سازگاری<sup>۳</sup> در نظر گرفته می‌شود.

1. coping

2. Coping styles

3. Adjustment

تاراکشوار و پارگامنت (۲۰۰۱) معتقدند هر فردی به گونه‌ای منحصر به فرد به مذهب می‌نگرد. برخی آن را جست و جو برای معنی، دیگران برای آسایش، و برخی دیگر به خاطر صمیمیت با دیگران به دنبال مذهب هستند. کسانی در جست و جوی خویشتن و بعضی نیز از مذهب رفاه جسمانی، روانی، و هیجانی را در نظر می‌گیرند. نکته دیگر آنکه افراد برای کاربرد مذهب در فرایند مقابله سبک خاصی در پیش خواهند گرفت. این سبک‌ها با در نظر گرفتن ابعاد مختلف صورت‌های متفاوتی پیدا می‌کند، از جمله: ارزیابی‌های مهربانانه<sup>۱</sup>، جست و جوی حمایت معنوی<sup>۲</sup> یا برعکس احساس نارضایتی معنوی<sup>۳</sup>، اعتراض منفی<sup>۴</sup>، و... در مجموع سبک مقابله‌ای افراد در برابر رویدادهای ناخوشایند با در نظر گرفتن مذهب و خداوند می‌تواند به دو صورت مثبت و منفی دیده شود. گروهی که هنگام مواجهه با حوادث آن را آزمایش الهی می‌پندارند و به خداوند و مذهب خوش بین هستند از سبک مقابله مذهبی مثبت و گروه دیگر که این حوادث را تنبیه الهی یا مداخله شیطان و عوامل منفی دیگر در نظر می‌گیرند از سبک مقابله مذهبی منفی استفاده کرده‌اند. ریشه‌های مشترک در واژه‌هایی چون امنیت و ایمان موجب شد به بررسی رابطه این دو متغیر در سطح روان‌شناختی بپردازیم. فرضیه‌هایی که برای پژوهش حاضر در نظر گرفته شده عبارتند از:

۱. بین سبک دلبستگی و سبک مقابله مذهبی رابطه وجود دارد.
۲. سبک دلبستگی ایمن با سبک مقابله مذهبی مثبت رابطه دارد.
۳. سبک دلبستگی نا ایمن با سبک مقابله مذهبی منفی رابطه دارد.

---

1. Benevolent Reappraisal

2. Seeking Spiritual Support

3. Spiritual Discontent

4. Negative Oppositon

## روش

## الف. جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران در نیمسال دوم ۸۱-۸۰ در شش رشته آموزشی، مشاوره، کودکان استثنایی، کتابداری، تکنولوژی آموزشی، مدیریت آموزشی، و روان‌شناسی تشکیل داده‌اند. تعداد دانشجویان در نیمسال یاد شده ۱۲۰۰ نفر بود که یک دهم از این افراد به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری تصادفی نظامدار با استفاده از لیست امتحانات (از هر ۱۰ دانشجو یک نفر) بوده است. از ۱۲۰ پرسشنامه‌ای که در اختیار دانشجویان قرار گرفت، ۱۱۱ مورد کامل بود که تحلیل آماری بر اساس داده‌های همین تعداد انجام شد ( $n=111$ )؛ ۸۲ دختر و ۲۹ پسر) از این تعداد ۸۵ نفر مجرد و ۲۱ نفر می‌شود ۱۰۶ متأهل بودند. داده‌های مربوط به سن دانشجویان نشان می‌دهد ۵۲/۶ درصد در گروه سنی ۲۱-۲۵ سال قرار داشته‌اند، گروه سنی زیر ۲۰ سال، ۲۵/۹ درصد از تعداد کل را به خود اختصاص داده است. از نظر رشته تحصیلی: تعداد ۱۹ نفر در رشته مشاوره، ۲۲ نفر در رشته کودکان استثنایی؛ ۱۵ نفر تکنولوژی آموزشی؛ ۲۵ نفر در کتابداری؛ ۲۳ نفر در مدیریت آموزشی؛ و ۱۵ نفر در رشته روان‌شناسی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. پرسشنامه‌ها به صورت همزمان پس از جلسه امتحان در اختیار دانشجویان قرار گرفت و داده‌ها جمع‌آوری گردید.

## ب. ابزار سنجش

۱. مقیاس دلبستگی بزرگسال، سبک دلبستگی دانشجویان بر اساس پرسشنامه دلبستگی بزرگسال<sup>۱</sup> (بشارت ۱۳۷۹، در دست انتشار) سنجیده شد. این ابزار پرسشنامه‌ای دو قسمتی است. قسمت اول. سه سبک دلبستگی، ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بر حسب ۲۱ ماده در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از یکدیگر متمایز می‌شوند. بالاترین نمره سبک

دلبستگی آزمودنی را در این قسمت تعیین می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیر مقیاس‌ها (ایمن - اجتنابی - دوسوگرا) برای یک نمونه دانشجویی  $N=240$  (بشارت در دست انتشار) به ترتیب  $0/74 - 0/72$  و  $0/72$  بوده است. این مقادیر برای آزمودنی‌های پسر  $0/73$ ،  $0/71$ ،  $0/72$  و برای آزمودنی‌های دختر  $0/74$ ،  $0/71$  و  $0/69$  بود که نشانگر همسانی درونی بالای مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمرات آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها  $r=0/92$ ، برای آزمودنی‌های پسر  $r=0/93$  و برای آزمودنی‌های دختر  $r=0/90$  شده که نشانگر پایایی بازآزمایی رضایت‌بخش مقیاس است.

در قسمت دوم، دلبستگی به افراد خاص شامل پدر، مادر، دوست، و همسر سنجیده می‌شود. در این قسمت، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه که سه سبک دلبستگی را نسبت به افراد خاص توصیف می‌کنند سبک خود را مشخص می‌سازد.

۲. مقیاس مقابله مذهبی<sup>۱</sup>. این مقیاس به دنبال تلاش‌های چندساله کنت پارگامنت<sup>۲</sup> در مورد نقش مذهب در فرایند مقابله با رویدادهای منفی زندگی ساخته شده است (پارگامنت و همکاران، ۲۰۰۰). فرم اصلی مقیاس شامل ۱۰۰ ماده آزمون و ۱۷ زیر مقیاس است که سبک‌های گوناگون مقابله مذهبی را مطرح می‌کنند. برای تهیه فرم کوتاه ۱۴ سؤالی (پارگامنت و کوئینگ و پرز، در دست انتشار) ابتدا فرم بلند مورد تحلیل عاملی قرار گرفت. پس از انجام محاسبات آماری دو عامل اساسی آشکار شد که ۳۸ درصد تغییرات را بوجود می‌آورد. وقتی محتوای این دو عامل مورد آزمون قرار گرفت، در حقیقت الگوهای مثبت و منفی مقابله مذهبی سنجیده شده بود. بنابراین، زیر مجموعه‌ای شامل ۷ ماده از هر یک از این دو عامل انتخاب شد که زیر مقیاس‌های مثبت و منفی مقابله مذهبی در فرم ۱۴ سؤالی را تشکیل می‌دهند. شیوه نمره‌گذاری به صورت لیکرت با ۴ گزینه از «به هیچ وجه» تا «بسیار زیاد» انجام می‌گیرد.

به منظور بررسی روایی و اعتبار آزمون در مطالعه‌ای مقدماتی که در زمستان ۱۳۸۰

انجام شد مقیاس جهت‌گیری مذهبی مورد استفاده قرار گرفت. همبستگی بین نمرات حاصل از کاربرد همزمان دو مقیاس به میزان ۰/۶۰ به دست آمد (بهرامی و قیامی، در دست انتشار).

برای ارزیابی اعتبار آزمون محاسبه ضریب آلفای کرونباخ صورت گرفت که این ضریب در زیر مقیاس مقابله مثبت ۰/۸۶ و در زیر مقیاس مقابله منفی ۰/۶۵ به دست آمد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهشی که پارگامنت و همکاران در سال ۲۰۰۰ بین خانواده‌های دارای کودکان اتیستیک انجام داده‌اند همخوانی دارد.

#### داده‌های حاصل از پژوهش

مشخصات اولیه دانشجویان شرکت کننده در تحقیق بر حسب جنسیت و تأهل و همچنین سبک دلبستگی و مقابله مذهبی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. مشخصات اولیه - سبک‌های دلبستگی و مقابله مذهبی دانشجویان

متغیر	شاخص آماری میانگین	انحراف معیار	دامنه	فراوانی	درصد	
سبک دلبستگی مقابله مذهبی	ایمن	۲۱/۲۸	۳/۴۹	۱۰-۳۲	۵۹	۵۲/۶
	اجتنابی	۲۳/۱۲	۴/۰۸	۱۱-۳۲	۲۳	۲۰/۵
	دوسوگرا	۲۲/۸۹	۴/۹۶	۸-۳۵	۳۰	۲۶/۹
	مثبت	۲۰/۰۳	۴/۴۷	۷-۲۸	۱۰۲	۹۵/۹
	منفی	۱۲/۶۷	۳/۵۲	۵-۲۳	۱۲	۴/۱

همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و سبک‌های مقابله مذهبی نشان داد که میان سبک دلبستگی دو سوگرا با مقابله مذهبی مثبت در سطح  $\alpha = 0.1$  رابطه معنی دار وجود دارد (جدول ۲).



جدول ۲. ماتریس همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و مقابله مذهبی

سبک مقابله	سبک دلبستگی	ایمن	دوسوگرا	اجتنابی
مثبت	-۰/۱۷۷	-۰/۳۵۲**	-۰/۱۱۴	
منفی	۰/۱۳۰	-۰/۱۲۳	-۰/۱۸۳	

\*  $\alpha=۰/۰۵$       \*\*  $\alpha=۰/۰۰۱$

بدین ترتیب، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه بین سبک دلبستگی و سبک مقابله مذهبی مورد تأیید قرار گرفت. در مدل رگرسیون نیز سبک مقابله مذهبی به عنوان متغیر ملاک و سبک دلبستگی به عنوان متغیر پیش بین وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج حاکی از آن بود که ۱۵/۱ درصد از پراکندگی مشاهده شده در متغیر سبک مقابله مذهبی توسط متغیر سبک دلبستگی تبیین می‌شود (جدول ۳)

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون متغیر سبک دلبستگی و مقابله مذهبی مثبت

مدل	ضریب رگرسیون (R)	ضریب تعیین ( $R^2$ )
۱	۰/۳۸۸	۰/۱۵۱

نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) ضریب رگرسیون متغیر ملاک حاکی از آن بود که از بین سبک‌های همبستگی (ایمن - دوسوگرا - اجتنابی) تنها سبک دلبستگی دوسوگرا می‌تواند متغیر سبک مقابله مذهبی مثبت را در سطح معنی داری ۰/۰۱ پیش بینی کند (جدول ۴).

جدول ۴. تحلیل واریانس (ANOVA) ضریب رگرسیون سبک مقابله مذهبی مثبت

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
۱	۳۳۴/۳۸۸	۳	۱۱۱/۴۶۳	۶/۳۸۸	۰/۰۰۱
باقیمانده	۱۸۸۴/۵۳۲	۱۰۸	۱۷/۴۴۹		
کل	۲۲۱۸/۹۲۰	۱۱۱			

بنابراین، فرضیه‌های دوم و سوم تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن با سبک مقابله مذهبی مثبت و سبک دل‌بستگی اجتنابی با سبک مقابله مذهبی منفی مورد تأیید قرار نگرفته و رد شدند. شاخص آماری تحلیل رگرسیون برای متغیرهای پیش بین در جدول شماره ۵، آمده است. چنانکه پیداست تنها سبک دل‌بستگی دوسوگرا می‌تواند سبک مقابله مثبت مذهبی را در سطح  $\alpha = 0/001$  تبیین کند.

جدول ۵. شاخص آماری تحلیل رگرسیون برای سبک‌های دل‌بستگی

شاخص	ضریب تأثیر (B)	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۳۱/۱۰۷	۸/۰۷	—
سبک دل‌بستگی ایمن	-۰/۲۰۲	-۱/۶۸۱	٪۹۶
سبک دل‌بستگی دوسوگرا	-۰/۳۲۲	-۳/۴۲۴	۰/۰۰۱
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۲/۵۲۷	۰/۲۱۴	۰/۸۳۱

### بررسی نتایج

نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گروهی از دانشجویان که در

سبک دلبستگی خود از دو سوگرایی کمتری برخوردار بوده‌اند میزان بالاتری از گرایش به مذهب و خداوند به هنگام رویارویی با رویدادهای منفی زندگی نشان می‌دهند. پژوهش‌های متعددی به این نتیجه دست یافته‌اند که بین سبک دلبستگی بزرگسال و باورهای مذهبی رابطه وجود دارد. به‌طور مثال، کرک پاتریک و شیور (۱۹۹۲) دریافتند که نمرات افراد در پرسشنامه سبک دلبستگی عاشقانه هازن و شیور (۱۹۷۸) همبستگی معنی‌داری با نمرات آنان در میزان‌های مختلف مذهبی دارد. کسانی که در پرسشنامه دلبستگی خود را ایمن ارزیابی کرده بودند به‌طور معنی‌داری نمرات بالاتری نسبت به اجتنابی‌ها در میزان‌های مذهبی به‌دست آوردند. به‌علاوه، افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی با احتمال بیشتری خود را لامذهب توصیف می‌کردند. در مورد دو سوگراها وضعیت متفاوت بود. این گروه در برخی میزان‌ها نمراتی شبیه اجتنابی‌ها به‌دست آورده و گاه نمرات آنان در حد متوسط بین ایمن‌ها و اجتنابی‌ها قرار می‌گرفت. بررسی پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که هنوز تحقیقی از منظر دلبستگی در مورد مذهب صورت نگرفته و پژوهش‌های جاری اکثراً به بررسی نقش مذهب در بهداشت روانی و به عبارتی بازده روان‌شناختی مذهب پرداخته‌اند.

رابطه منفی بین سبک دلبستگی دوسوگرا و سبک مقابله مذهبی مثبت با اینکه تأیید فرضیه اول پژوهش حاضر را به دنبال داشته لیکن می‌توان ادعا کرد که یافته جدیدی در ادبیات پژوهش‌های مذهبی به‌دست داده است. توجه به ماده آزمون‌های مقیاس مقابله مذهبی نشان دهنده رفتارهای فرد در برابر خدا و مذهب هنگام رویارویی با حوادث ناگوار و منفی است. از طرفی، کرک پاتریک (۱۹۹۹) خداوند را به عنوان نگاره دلبستگی معرفی کرده و به نقل از خداشناسی به نام کافمن (۱۹۸۱، ص ۶۷) می‌گوید نظر ما نسبت به خداوند مطلقاً نظری در باره نگاره دلبستگی است. او همواره به صورت والدی حمایتگر و مراقبت‌کننده که همیشه حاضر و در هنگام نیاز در دسترس کودکان خواهد بود جلوه‌گر می‌شود.

لذا شاید بتوان کاهش رفتارهایی نظیر روی آوری به خدا و مذهب و جست و جوی کمک از ایشان را در صورت افزایش دوسوگرایی در سبک دلبستگی تبیین کرد. زیرا

ناایمنی در سبک دلبستگی می‌تواند یکی از دلایل بروز رفتارهای خشمگینانه یا منفعلانه در برابر نگاره دلبستگی در نظر گرفته شود.

نکته دیگری که حائز اهمیت است آنکه پرس و جو در باره باورهای دینی در جامعه کنونی ما با سوء تفاهم‌ها و احتمالاً نگرانی‌هایی همراه است. این نیز می‌تواند عاملی برای عدم هماهنگی یافته‌های پژوهش ما با یافته‌های قبلی در غرب به شمار آید. از سوی دیگر، توجه به داده‌های خام پرسشنامه‌ها نشان داد که دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش با هر سبکی از دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) سبک مقابله مذهبی مثبت را گزارش کرده و تعداد افرادی که سبک مقابله مذهبی منفی را نشان داده باشند بسیار ناچیز است (۹۵/۹ درصد مقابله مثبت در مقابل ۴/۱ درصد مقابله منفی). این تفاوت آشکار هم می‌تواند مؤید مقاومت ذکر شده در بیان احساسات واقعی توسط دانشجویان به حساب آید و یا دلیلی بر یکسانی و تجانس گروه نمونه از لحاظ روی آوری به مذهب تلقی گردد. یکپارچگی و شباهت باورهای مذهبی در بافت سنتی و کهن جامعه شیعی ایران از یک سو و مداخله احتمالی گزینش دانشجویان از نظر اعتقادات دینی از سوی دیگر می‌تواند از عواملی به شمار آیند که نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار داده‌اند. نکات دیگری مانند مقطعی<sup>۱</sup> بودن مطالعه نیز می‌تواند به محدودیت‌های پژوهش حاضر بیفزاید، زیرا مطالعات متعددی نشان داده‌اند که پژوهش‌های طولی<sup>۲</sup> امکان بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر یافته‌ها را در مورد فرآیندهای مذهبی فراهم می‌آورند. از طرفی می‌توان هم عقیده با کرک پاتریک (۱۹۹۹) چنین گفت که به نظر می‌رسد سیستم دلبستگی تنها یکی از مکانیسم‌های متعدد روان‌شناختی است که در زیر طیف وسیع پدیده‌های مذهبی نهفته بوده و بسیاری از پدیده‌های مذهبی را نمی‌توان به تنهایی از دیدگاه دلبستگی تبیین کرد.

تأثیر و تأثر و تعامل چشمگیر فرهنگ و مذهب در جوامع گوناگون انسانی از نکات مهم دیگری است که در بررسی پدیده‌های مذهبی لازم است مورد توجه پژوهشگران

قرار گیرد.

هر چند در سال‌های اخیر شاهد ابداع مقیاس‌های جدیدی از رفتار یا جهت‌گیری مذهبی در کشور بوده‌ایم، لیکن به نظر می‌رسد برای فرآیندهای مذهبی از دیدگاه دلبستگی نیاز به مقیاسی بر اساس فرهنگ و مذهب خودی وجود داشته باشد؛ مقیاسی که نتایج حاصل از کاربرد آن، به طور مثال، تعریف روشنی از ایمان از نظر یک مسلمان ایرانی به دست دهد.

## مآخذ

- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۰). "نظریه دلبستگی". تازه‌های روان‌درمانی. سال چهارم، شماره‌های ۱۳ و ۱۴.
- بهرامی احسان، هادی (۱۳۸۰). "بررسی مقدماتی روایی و اعتبار مقیاس جهت‌گیری مذهبی". روان‌شناسی و علوم تربیتی. سال ششم، شماره ۱.
- Ainsworth, M. D. S. (1985). "Attachments across life span". *Bulletin of the New York Academy of Medicine*. 61, P. 792-812
- Argyle, M., & Beit Hallahmi, B. (1997). *The psychology of Religious Behaviour, Belief and Experience*. London: Routeledge.
- Bartholomew, K. (1990). "Avoidance of intimacy: An attachment perspective". *Journal of Social and Personal Relationships*, 7, P. 147-178.
- Bartholomew, K. Horowitz, L. M. (1991). "Attachment styles in young adults", *Journal of personality and social psychology*, 61, P. 225-244.
- Hazan, C. Shaver, P. (1987). "Romantic love conceptualized as an attachment process". *Journal of personality and social psychology*, 52, P. 511-524.
- Kirkpatrick, L.A. (1999). "Attachment and Religious Representations and Behaviour". *Textbook of Attachment*, P. 803-820.
- Tarakeshwar, Nalini; Pargament, Kennethi (2001). "Religious Coping in Families of Children with Autism". *Focus on Autism* Vol. 16 no.4, P.247.